

اثر بخشی رعایت آموزه‌های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده

محمد مهدی صفورایی پاریزی^۱

چکیده

این پژوهش با رویکرد تحلیلی و توصیفی و با هدف شناسایی آموزه‌های اخلاق اسلامی تدوین یافته است که عمل به آنها موجب تقویت، استحکام و کارآمدی خانواده می‌شود. در این نوشتار، آموزه‌های اخلاقی خانواده از آیات و روایات مربوط به خانواده استخراج و مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که، در منابع دینی برای تمام جنبه‌های زندگی خانوادگی، که کانون تربیت، رشد مادی، معنوی، فردی و اجتماعی است، دستورالعمل‌های اخلاقی بیان شده است که پایبندی به آنها تضمین کننده کارآمدی خانواده است. صبر، راستگویی، تکریم، احترام متقابل، مدارا با یکدیگر، دلسوزی، مهربانی و مثبت اندیشی و خوش بینی، از جمله مهم ترین رفتارهای اخلاقی هستند که بر کارآمدی خانواده تأثیر مستقیم دارند.

کلید واژه‌ها: اخلاق اسلامی، کارآمدی، خانواده، اثر بخشی خانواده، مثبت اندیشی.

^۱ استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). دریافت: ۸/۶/۸۸ - پذیرش: ۲۰/۹/۸۸

مقدمه

پس از مسائل اعتقادی و بینشی، دومین بخش از معارف اسلام، مسائل اخلاقی و ارزش‌های انسانی است. بنابراین، منابع دینی اسلام توجه ویژه‌ای به اخلاق، مسائل اخلاقی^۱ و رعایت اخلاق در اندیشه و عمل دارد و تهذیب نفس را که نتیجه رعایت مسائل اخلاقی است، یک مسئله اساسی و زیربنایی می‌داند که دیگر برنامه‌های انسان‌ها از آن نشئت می‌گیرد و بر تمام احکام و قوانین اسلامی سایه افکنده است. تکامل اخلاقی فرد، خانواده و جامعه، هدفی است که ادیان آسمانی بر آن تکیه می‌کنند و آن را ریشه همه اصلاحات اجتماعی و وسیله مبارزه با مفاسد و پدیده‌های نابهنجار می‌شمرند.^۲

پیامبر گرامی اسلام حضرت محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله در حدیث معروفی می‌فرماید: «من تنها برای تکمیل فضایل اخلاقی مبعوث شده‌ام»^۳ و بر این مضمون، به علت اهمیتی که داشته است، با عبارات‌های مختلف و متعددی تأکید ورزیده‌اند.^۴ استفاده از تعبیر «انما» که در ادبیات عرب برای حصر به کار برده می‌شود، نشان می‌دهد که تمام اهداف بعثت پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله در همین امر یعنی تکامل اخلاقی انسان‌ها خلاصه می‌شود. همچنین آن حضرت کامل‌ترین مردم از نظر ایمان را کامل‌ترین آنان از جهت اخلاق می‌دانند.^۵

حضرت علی‌علیه‌السلام نیز در حدیثی می‌فرماید: «اگر ما امید و ایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ و انتظار ثواب و عقابی نداشتیم، شایسته بود به سراغ فضایل اخلاقی برویم؛ زیرا آنها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند».^۶

این احادیث به خوبی نشان می‌دهند فضایل اخلاقی نه تنها سبب نجات در قیامت است، بلکه زندگی دنیا نیز بدون آن سامان نمی‌یابد و کارآمدی خانواده به منزله کانون تعلیم و تربیت، بدون کسب و رعایت مسائل اخلاقی تأمین نخواهد شد. رعایت اخلاق و عمل بر اساس دستوره‌های اخلاقی، یک امر خصوصی در زندگی شخصی نیست که فقط یک مسئله مقدس، روحانی و معنوی باشد و تنها برای زندگی آخروی فایده داشته باشد، بلکه همه مسائل اخلاقی آثاری در زندگی مادی و معنوی جامعه بشری و انسانی دارد که بدون آن زندگی انسانی مفهوم خود را از دست خواهد داد. درست است که زندگی فرد نیز بدون اخلاق، لطافت و شکوفایی و زیبایی ندارد، ولی مهم‌تر از زندگی فردی، خانواده و زندگی اجتماعی است که با حذف و یا کم‌رنگ شدن مسائل اخلاقی، به سرنوشت نامطلوبی گرفتار و کارآمدی خانواده دچار اختلال می‌شود.^۷ تلاش برای عمل به مقررات و قوانین، بدون پشتوانه اخلاق، در خانواده - و هیچ جای دیگر - ثمری ندارد. در مقابل، ایمان و اخلاق، بهترین ضامن اجرایی قوانین و مقررات در کانون خانواده است و کارآمدی آن را تضمین می‌کند.

خانواده، اولین محیط برای تعلیم و تربیت کودک است. فضایل اخلاقی در این محیط رشد می‌کند و سنگ بنای اخلاق انسان در خانواده نهاده می‌شود. کودک بسیاری از صفات و رفتارهای اخلاقی را از پدر، مادر، خواهر، برادر و کسانی که با آنها در یک خانواده زندگی می‌کند، می‌آموزد. صداقت، امانت‌داری، احترام متقابل، سپاسگزاری، مهربانی، محبت کردن، سخاوت، شجاعت، حفظ عفت و بسیاری از این قبیل رفتارها، توسط اعضای خانواده به یکدیگر منتقل می‌شود. خانواده نخستین درس‌های فضیلت را به فرزندان خود می‌آموزد و بزرگ‌ترها نیز به سبب همنشینی طولانی و مداوم، بر شکل‌گیری صفات اخلاقی یکدیگر تأثیر

می‌گذارند. پس قبل از هر چیز باید محیط خانواده به فضایل اخلاقی آراسته شود تا بتواند کارآمدی خود را اثبات کند و زمینه رشد و بالندگی اعضای خود را فراهم سازد.

صبر و کارآمدی خانواده

زندگی انسان در دنیا آمیخته با مشکلات و تعارض‌های فراوانی است. اگر انسان در برابر آنها بایستد و صبر و مقاومت داشته باشد، حتماً پیروز خواهد شد و اگر ناشکیبایی کند و در برابر حوادث ناگوار زانو بزند، هیچ‌گاه به مقصد نخواهد رسید. از این‌روی در منابع دینی، صبر و پیروزی قرین هم شمرده شده‌اند.^۸ در قرآن کریم نیز شرط مهم پیروزی مجاهدان راه خدا صبر شمرده شده است. خداوند خطاب به مجاهدان می‌فرماید: «هرگاه بیست نفر صبور و بااستقامت از شما باشد، بر دویست نفر غلبه می‌کند و اگر یکصد نفر باشند، بر هزار نفر از کافران پیروز می‌گردند». (انفال: ۶۵) خداوند صبر را عامل افزایش توانایی و نیروی مقابله با سختی‌ها می‌داند؛ هفتاد آیه در مورد صبر و آثار آن در زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی از طرف خداوند متعال نازل شده است. به اعتقاد برخی از مفسران، هیچ‌یک از فضایل انسانی به این اندازه مورد تأکید قرار نگرفته است. این نشان می‌دهد که قرآن برای این فضیلت اخلاقی و عملی اهمیت فراوانی قائل است و آن را عصاره همه فضیلت‌ها و خمیرمایه همه سعادت‌ها و ابزار رسیدن به هرگونه خوشبختی و سعادت می‌داند. اگر انسان و خانواده ویژگی اخلاقی صبر را نداشته باشد و به آن عمل نکند، هرگز به خوشبختی و سعادت نخواهد رسید و کارآمد نخواهد بود.^۹

حضرت علی علیه‌السلام صبر در کارها را به منزله سر در بدن می‌داند و می‌فرماید: «همچنان‌که اگر سر از بدن جدا شود بدن فاسد می‌شود، هرگاه صبر

نیز در کارها نباشد، کارها تباه می‌گردد». ^{۱۰} در خانواده گاهی اعضا با ناکامی‌هایی روبه‌رو می‌شوند و یا برآورده شدن خواسته‌ها نیازمند گذشت زمان است؛ همچنین گاهی آسیب‌های بدنی برای آنان پدید می‌آید و در بسیاری از موارد روابط بین آنان به هم می‌خورد و زمینه بروز اختلاف و رفتارهای نامناسب در خانواده فراهم می‌شود؛ در صورتی که اعضای خانواده از مهار خویش ناتوان باشند و بردباری و تحمل در برابر مشکلات نداشته باشند، خانواده به شدت آسیب می‌بیند و نه تنها نیاز خود فرد برآورده نمی‌شود، بلکه برای دیگران نیز مشکل‌ساز می‌شود. فشار روانی، اولین نتیجه بی‌صبری در برابر فشارهاست. فرد صبور می‌تواند با صبر در مقابل حوادث پیش‌آمده، موفقیت و کارآمدی خانواده را حفظ کند؛ در حالی که واکنش فوری و بدون اندیشه در برابر رفتارهای نامناسب دیگران سبب پشیمانی می‌شود. اما صبر به فرد امکان می‌دهد در زمان مناسب، رفتار و واکنش مناسب و متناسب با رفتار فرد خطاکار را از خود نشان دهد.

طبیعی است که در یک خانواده، به علت همراهی طولانی‌مدت اعضای آن، اختلافاتی پیش می‌آید و اگر هر عضوی بخواهد فقط به خواسته‌های خود بیندیشد و به دنبال رسیدن به آن‌ها و ارضای نیازهای فردی باشد و در مقابل کمبودها از خود بی‌صبری نشان دهد، نمی‌تواند به خوشبختی و اهداف خود برسد. فرزندان که در خانواده‌های بی‌صبر و عجول پرورش یافته‌اند، در اجتماع نیز دچار مشکل می‌شوند؛ زیرا همیشه و در همه جا شرایط فراهم نیست که خواسته‌های آنها برآورده شود. کودکی که صبر ندارد، می‌پندارد هرچه در اجتماع خواست، فوراً در اختیارش قرار می‌گیرد؛ اما وقتی به خواسته‌های خود نرسد، در مقابل اجتماع واکنش‌های نامطلوب از خود نشان می‌دهد و این امر در بسیاری از موارد موجب دردسر برای فرد و خانواده‌اش می‌شود.

بنابراین صبر نه تنها عامل تضمین کارآمدی خانواده است، بلکه کارآمدی جامعه انسانی را نیز تأمین می‌کند. اینکه خداوند می‌فرماید صبر عامل پیروزی مجاهدان است، تنها ثمره صبر منحصر به جبهه جنگ و مجاهدان نیست، بلکه در همه عرصه‌های زندگی، انسان به صبر و مقاومت نیاز دارد تا به پیروزی برسد. پیروزی در خانواده بدین معناست که انسان با تشکیل خانواده کارآمد، به کمال و بالندگی برسد.

راست‌گویی و کارآمدی خانواده

در قرآن کریم درباره اهمیت راست‌گویی تعبیرات کم‌نظیری آمده است. خداوند می‌فرماید راستی و راست‌گویی مؤمنان سبب یاری آنان در دنیا و نجاتشان در قیامت می‌شود و پاداش آن را بهشت و رضایت خود از راست‌گویان می‌داند. (مائدة: ۱۹) در روایات نیز به این فضیلت اخلاقی اهمیت فراوانی داده شده است. از روایات استفاده می‌شود که همه فضیلت‌های انسانی از صداقت و راستی سرچشمه می‌گیرد^{۱۱} و کلید همه خوبی‌ها راست‌گویی و کلید همه بدی‌ها دروغ و دروغ‌گویی است.^{۱۲} امام صادق علیه‌السلام راست‌گویی را نوری می‌داند که جهان اطراف خود را روشن می‌کند؛ مانند آفتابی که هر چه در معرض تابش آن قرارگیرد، روشن می‌شود، بدون آن که نقصی در آن وارد شود.^{۱۳}

براساس آموزه‌های قرآنی و روایی، راستی و راست‌گویی در کارآمدی تمام بخش‌های زندگی انسان مؤثر است و توجه به این آثار، انگیزه انسان برای گرایش و عمل به این فضیلت بزرگ اخلاقی را افزایش می‌دهد. نخستین تأثیری که این فضیلت دارد، مسئله جلب اطمینان و اعتماد در همکاری‌های جمعی است. اساس زندگی انسان را کار گروهی و دسته‌جمعی تشکیل می‌دهد و بدون همکاری جمعی، کارهای مهم و باارزش انجام نمی‌شود و یا اینکه پیشرفت آن کاهش می‌یابد. پیشرفت کار گروهی بدون اعتماد و اطمینان در بین اعضای گروه امکان

ندارد؛ اعتماد و اطمینان نیز در صورتی حاصل می‌شود که صداقت و امانت در میان آنان حاکم باشد. همچنین تفاوتی میان فعالیت‌های علمی، فرهنگی، پرورشی، حقوقی، اقتصادی و غیره وجود ندارد. یک دانشمند، مربی، مدیر، سیاستمدار، فرزند و همسر اگر چند بار به دیگران و کسانی که با آنها رابطه دارد دروغ بگوید، به سرعت نفوذ و ارزش خود را از دست می‌دهد و کارآمدی او در اجتماع - به‌ویژه اجتماع کوچک خانواده - دچار اختلال و ضعف می‌شود.

راست‌گویی تأمین‌کننده سلامت و بهداشت روان است و به انسان شجاعت و شهامت می‌بخشد، درحالی که دروغ و دروغ‌گویی همیشه انسان را در هاله‌ای از ترس فرو می‌برد و پیوسته از این هراس دارد که دروغ‌های او آشکار گردد. فردی که از بهداشت روان برخوردار نیست، نمی‌تواند در جهت کارآمدی خانواده خود گام‌های جدی بردارد. صدق در گفتار و صداقت در کردار، انسان را محبوب دل‌ها و مورد اعتماد اعضای خانواده خود و جامعه انسانی می‌گرداند. برعکس، تظاهر، ریا، نفاق و دروغ‌گویی فرد را در جامعه بی‌اعتبار و نزد خداوند مطرود می‌سازد و پیوندهای اجتماعی و خانوادگی را با به وجود آوردن جو بی‌اعتمادی از هم می‌گسلد. همچنین خود فرد دچار شخصیت دوگانه و متضاد می‌گردد و هنگام آشکار شدن دروغ‌ها گرفتار رنج و عذاب وجدان می‌شود. اما افراد صادق و درستکار، دارای آرامش روان و احساس ایمنی هستند؛ زیرا چیزی جز آنچه می‌نمایند، نیستند تا از فاش شدن چهره پنهان خود نگران باشند.

در تحلیل روان‌شناختی، صداقت به گفتار و رفتاری گفته می‌شود که فرد انگیزه و قصدی مغایر با مفاد گفتار و رفتارش نداشته باشد؛ یعنی اینکه فرد با صراحت و وضوح صحبت می‌کند. هنگامی که فرد در ارتباط کلامی یا بدنی صداقت نداشته باشد، ارتباطی متعارض یا دوسطحی برقرار می‌شود؛ به گونه‌ای که

مفاد سخن شخص چیزی است و بقیه وجود او چیزی دیگر را بیان می‌کند و یا انگیزه و قصد او از رفتار و گفتارش امر دیگری است.^{۱۴} در چنین موقعیتی مخاطب به دریافتی که از کلام یا رفتار خود دارد، پاسخ می‌دهد، ولی آن‌گاه که متوجه شود انگیزه شخص امر دیگری بوده است، در پاسخ به رفتار و گفتارهای بعدی او سردرگم می‌شود؛ گاه به کلام و رفتار او توجه می‌کند و از انگیزه و یا انگیزه‌های محرک رفتار غفلت می‌کند و گاهی به دلیل توجه بیشتر به انگیزه‌های احتمالی، دچار واکنش نامناسب می‌شود. این‌گونه ارتباط، از ویژگی‌های رفتارها و گفتارهای اعضای خانواده ناکارآمد است.^{۱۵}

بنابراین، برای دستیابی به سلامت روابط در خانواده و بالندگی و کارآمدی آن، باید روابط کلامی و بدنی مثل آهنگ صدا، تماس‌های چشمی، نگاه‌ها، وضعیت بدنی افراد نسبت به هم و حرکات بدن واضح و شفاف باشد و فرد را دچار سردرگمی نکند. باید سخنان فرد نه تنها با حالت صورت، وضع بدن و آهنگ صدا هماهنگ باشد، بلکه روایت‌گر انگیزه و حالات ناهشیار نیز باشد. در واقع، همه ابعاد روان‌شناختی فرد اعم از عاطفی، هیجانی، رفتاری و شناختی یک مطلب را نشان دهد. چنین ارتباط صادقانه، کارآمد و بهنجاری به اعضای خانواده امکان می‌دهد که درستی، تعهد، شایستگی و خلاقیت داشته باشند؛ به کمال و بالندگی برسند و با غلبه بر مشکلات، بر کارآمدی خانواده بیفزایند.^{۱۶}

محبت در خانواده

از نظر اسلام، محبت بیشترین نقش را در ساماندهی جامعه آرمانی انسانی دارد. روایاتی که در مورد محبت از ائمه هدی علیه‌السلام وارد شده است، به روشنی اثبات می‌کند که جامعه مطلوب اسلامی، جامعه‌ای است که براساس محبت مردم نسبت به یکدیگر شکل گیرد. محبت مؤثرترین عامل پرورش انسان‌های شایسته،

و کارآمدترین ابزار پیشبرد اهداف فردی، اجتماعی و مادی و معنوی است. محبت به قدری شیرین و لذت‌بخش است که با کمک آن می‌توان همه تلخی‌های زندگی و بسیاری از ضعف‌ها و نابسامانی‌ها و مشکلات کوچک و بزرگ فردی و اجتماعی را جبران کرد. در حدیثی حضرت سلیمان علیه‌السلام می‌فرماید: «هیچ چیز مانند محبت شیرین نیست».^{۱۷} از دیدگاه رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله وقتی دوستی برقرار شود، مشکلات و کمبودها به آسانی قابل تحمل است. آن حضرت در این باره با کنایه می‌فرماید: «هیچ مجلسی برای نشستن دو دوست، تنگ نیست».^{۱۸} عنصر محبت، آن‌قدر برای تحقق برنامه‌های دینی و هدایت انسان‌ها مؤثر دانسته شده است که امام باقر علیه‌السلام دین اسلام را چیزی جز محبت نمی‌داند.^{۱۹} خداوند متعال در سوره روم، مهر و محبت را از آثار قدرت و نعمت‌های بزرگ برشمرده و می‌فرماید: «یکی از نشانه‌های خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا با آنان انس بگیرید و در میانتان محبت و مهربانی برقرار کرد و هر آینه در این کار برای مردمی که بیندیشند نشانه‌ها و عبرت‌هایی وجود دارد».^(روم: ۲۱)

همه انسان‌ها نیازمند دوستی و محبت هستند و دوست دارند محبوب دیگران باشند. وقتی فرد بداند محبوب دیگران نیست، خود را تنها و بی‌یار و یاور می‌داند و نمی‌تواند استعدادهای خود را شکوفا سازد و در راه رسیدن به کمال قدم بردارد. این احساس غریزی در زن و مردی که با هم تشکیل خانواده داده‌اند و از «من» بیرون آمده و به «ما» رسیده‌اند، بیشتر احساس می‌شود. پیش از ازدواج، هر یک از زن و مرد از محبت‌های فراوان پدر و مادر خود برخوردار بوده‌اند و آن‌گاه که با هم پیمان ازدواج می‌بندند، انتظارات آنان نسبت به دریافت محبت تغییر می‌کند و منتظرند تا از طریق رشته دوستی جدید نیز محبت دریافت کنند. هر یک از زن و مرد انتظار دارند طرف مقابل، او را از صمیم قلب دوست داشته

باشد و علاقه‌مندی و محبتی دوطرفه برقرار شود. در این میان، زن که موجودی عاطفی و کانون محبت است، بیشتر نیاز به محبت همسرش دارد؛ زندگی او وابسته به عشق و علاقه است و هرچه محبوب‌تر باشد، شاداب‌تر خواهد بود و برای به دست آوردن محبوبیت تلاش می‌کند؛ اما اگر احساس کند محبوب همسرش واقع نشده، خود را شکست خورده و بی‌اثر می‌پندارد. محبت دوطرفه، زن و مرد را به زندگی دلگرم و کانون خانواده را استوار، مستحکم و کارآمد می‌سازد. پیامبر اسلام حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «بهترین زنان شما، زن‌هایی هستند که دارای عشق و محبت باشند»^{۲۰} و در مورد مردها می‌فرماید: «هرکس از دوستان ما باشد، به همسرش بیشتر اظهار محبت می‌کند و نیز هرچه ایمان انسان کامل‌تر باشد، محبت به همسرش را بیشتر می‌کند»^{۲۱}.

شکسپیر نیز می‌گوید: «آنچه در زن قلب مرا تسخیر می‌کند، مهربانی اوست نه روی زیبایش، من زنی را بیشتر دوست دارم که مهربان‌تر باشد»^{۲۲}.

در خانواده‌ای که مهر و محبت وجود دارد و زوجین با آرامش، آسایش و علاقه‌مندی به یکدیگر در آن زندگی می‌کنند با توان‌مندی بیشتری می‌توانند به تربیت فرزندان خود بپردازند. وقتی فرزند در کانون پر از محبت و عاطفه پرورش یابد، روح او نیز آرام است و بهتر رشد می‌کند و با الگوگیری از والدین خود، در آینده همسری مهربان و کارآمد خواهد بود و خانواده‌ای کارآمد نیز تشکیل خواهد داد. این کارآمدی، نسل به نسل منتقل می‌شود و جامعه‌ای پر از شور و نشاط و کارآمد شکل می‌گیرد.

آنچه سبب ناکارآمدی خانواده و طلاق عاطفی می‌شود، نبود و یا کمبود محبت بین اعضای آن است. وقتی محبت نباشد، اعضای خانواده به خانه و یکدیگر دلبستگی پیدا نمی‌کنند و از نظر روانی جدای از یکدیگر زندگی می‌کنند. محبت، مانند قانون جاذبه زمین در این جهان است. همان‌طوری که این جهان، از

اتم گرفته تا کهکشان‌ها - بر اساس قانون جاذبه پابرجاست، خانه و خانواده نیز بر اساس قانون محبت استوار می‌گردد. همان گونه که اگر یک لحظه قانون جاذبه از جهان برداشته شود، نظم آن به هم می‌خورد و به‌طور کلی جهان طبیعت نابود می‌شود، اگر در خانه نیز محبت نباشد، آن خانه نابودشدنی است. اگر محبت در خانواده نباشد و اعضای آن نیاز خود به محبت را ارضا نکنند، هیچ یک از اعضا نمی‌توانند وظایف مطلوب خود را انجام دهند و در نتیجه کارکرد خانواده و کارآمدی آن به ناکارآمدی تبدیل می‌شود. همان‌گونه که اجزای یک ساختمان بدون ملاط به هم نمی‌چسبد و ساختمان پابرجا نمی‌شود، بنا و نظام خانواده نیز چنین است و ملاط آن محبت و رحمت است مرد یا زنی که کمبود محبت داشته باشد، برای تأمین سعادت و رفاه خانواده‌اش فداکاری و کوشش نمی‌کند و انرژی خود را صرف اموری می‌کند که ممکن است زمینه‌ساز ناهنجاری و فساد در خانواده و جامعه شود. یکی از اموری که سبب کارآمدی می‌شود، اعتماد متقابل زوجین و وفاداری نسبت به یکدیگر است و زمانی که محبت در کار نباشد احساس وفاداری و اعتماد تحقق نمی‌یابد.

همچنین باید توجه داشت که محبت و دوستی قلبی کافی نیست و اینکه گفته شود من از صمیم قلب همسر را دوست دارم، ولی در عمل و رفتار مشاهده نشود، کارآمدی را تضمین نمی‌کند. بلکه باید این محبت هم در رفتارها دیده شود و هم اینکه براساس آموزه‌های دینی به زبان آورده شود و به همسر اعلام شود که من تو را دوست دارم. اعلام دوستی سبب استوارتر شدن آن و محبت بیشتری می‌شود. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «وقتی کسی را دوست داری، به او بگو دوستت دارم».^{۲۳} همچنین رسول گرامی اسلام می‌فرمایند: «این سخن مرد

که به همسرش می‌گوید واقعاً تو را دوست دارم، هرگز از قلبش خارج نخواهد شد.^{۲۴}

تکریم و کارآمدی خانواده

از آموزه‌های مهم دین اسلام در برخورد و برقراری رابطه با انسان‌ها، توجه به کرامت و ارزش آنان، و تعلیم آن به دیگران است؛ تا جایی که نسبت به غیرمؤمنین و غیرمسلمانان نیز به این امر اهتمام داشته‌اند. این اخلاق نیکوی پیامبر و امامان معصوم‌علیهم‌السلام باعث شده بود که افراد لجوجی که جاهلانه با پیامبر و دین مخالفت می‌کردند، به سبب اخلاق بزرگوارانه پیامبر و اهل بیتش شیفته آنان شده، به دین اسلام مشرف شوند. رعایت این ادب اسلامی در خانواده که اجتماعی کوچک و نقش‌آفرین است، آثار مهمی بر جای می‌گذارد و در ایجاد فضایی سالم و کارآمد کارساز است.

به طور کلی، رفتارهای اجتماعی و روابطی که انسان‌ها با هم برقرار می‌کنند، تابع دو مبنا است: الف) مبنای «کرامت»؛ ب) مبنای «اهانت». بر اساس این دو نوع نگرش، روابطی که انسان‌ها و اعضای خانواده با هم دارند، یا مبتنی بر «تکریم» و گرمی داشتن یکدیگر است و یا مبتنی بر «استخفاف» و حقیر شمردن. در نگاه اول، همسر و فرزندان موجوداتی با ارزش، شریف و صاحب کرامت ذاتی‌اند^{۲۵} و در نگاه دیگر، آنان بی‌ارزش، حقیر و فاقد کرامت ذاتی هستند.

رفتار ما با اعضای خانواده خود تابع مبنای فکری ما است؛ انسان را هرگونه تلقی کنیم، همان‌گونه با او برخورد می‌کنیم؛ اگر انسان را موجودی صاحب کرامت بدانیم، تلاش می‌کنیم این کرامت را در او تقویت کنیم و به عکس؛ اگر دیگران را بی‌کرامت بدانیم، آنان را کوچک شمردن، مورد اهانت و تحقیر قرار می‌دهیم. بنابراین، می‌توان گفت در برخورد با دیگران دو دیدگاه وجود دارد:

۱. دیدگاه «دینی» که انسان را با کرامت می‌داند و نحوه برخورد او با دیگران را، برخورد همراه با تکریم می‌خواهد؛

۲. دیدگاه «غیر دینی» که کرامتی برای انسان قائل نیست و تنها برای اینکه از او بهره‌برداری کند، با او رابطه برقرار می‌سازد و برخوردش تحقیرآمیز است. گروه اول، در سیره و رفتار خانوادگی خویش، تکریم و احترام به حقوق اعضای خانواده را روش و منش خویش قرار داده‌اند و از خانواده‌ای کارآمد و بالنده برخوردارند. اما گروه دوم توجهی به کارآمدی خانواده خود ندارند و تنها به دنبال دستیابی به اهداف و خواسته‌های خود هستند. اعضای این خانواده، افزون بر تحمل رنج تحقیر، از بهداشت روان مناسب نیز برخوردار نیستند.

در این بخش به چند نمونه از رفتارهای کریمانه‌ای که تأثیر زیادی در برقراری روابط سالم خانوادگی و ایجاد امنیت روحی و روانی در بین اعضای خانواده و کارآمدی آن دارد، اشاره می‌شود. امید است با الگوگیری از ائمه هدی بتوانیم رفتارهای کریمانه را الگوی اعمال، رفتار و گفتار خود قرار دهیم و خانواده‌ای کارآمد و بالنده تشکیل دهیم و روزبه‌روز بر بالندگی آن بیفزاییم.

الف. احترام متقابل

تمام انسان‌های بهنجار، خود و تمام جنبه‌های وجودی خود را دوست دارند و خدشه‌دار شدن آن را تحمل نمی‌کنند و به عواملی که یکی از جنبه‌های وجودی آنان را مورد تعرض قرار دهد، واکنش منفی نشان می‌دهند و برای حفظ آن از هیچ تلاشی فروگذار نیستند. شخصیت و حرمت، خود یکی از جنبه‌های اصیل و اساسی وجود هر فردی است که به شدت به آن علاقه دارد و می‌خواهد که دیگران - به‌ویژه همسر و اعضای خانواده - آن را محترم بشمارند و اگر کسی به شخصیت او احترام نگذارد، رشته محبت خود را با او قطع کرده و میان آنان

فاصله ایجاد می‌شود. در حقیقت، حفظ حرمت و شخصیت اعضای خانواده در گرو احترامی است که در برخوردها نمایان می‌شود.

رعایت احترام متقابل سبب استحکام روابط و نزدیکی افراد می‌شود. نیاز به احترام، در زن و مرد تفاوتی ندارد و هر دو نیاز دارند که دیگری به او احترام بگذارد و هرگز نباید به سبب ارتباط دوستانه، نزدیک و بسیار خصوصی که زوجین با هم برقرار می‌کنند، از احترام به یکدیگر غفلت کنند. به همین دلیل، و برای اینکه روابط آنان به ارتباطی عادی و سرد تبدیل نشود، موظف به رعایت احترام متقابل و حفظ جایگاه شخصیتی یکدیگر هستند. در منابع دینی، رعایت احترام زن توسط مرد جزو حقوق او شمرده شده است^{۲۶} و زنی که احترام همسر خود را رعایت نکند، مورد لعنت قرار گرفته است.^{۲۷}

در خانواده‌ای که رفتارهای اعضای خانواده احترام‌آمیز و از روی ادب باشد، روابط صمیمانه و نزدیک خواهد بود. روابط صمیمی، مانع بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌ها می‌شود. چنین خانواده‌ای با نشاط و علاقه به اداره زندگی خود می‌پردازد و بدین ترتیب زمینه شکوفایی استعدادها و بالندگی اعضا و کارآمدی آن فراهم می‌شود.

از سوی دیگر، بی‌احترامی به افراد، در آنان احساس حقارت به وجود می‌آورد. احساس حقارت در اعضای خانواده، زمینه‌ساز ناکارآمدی و مانعی بر سر راه بالندگی و کمال است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «انسانی که حقارت نفس پیدا کرده دیگر انتظار خیر از او نمی‌رود. کسانی که نفسشان پست و خوار باشد، به خیرشان امیدی نداشته باش».^{۲۸} از انسان‌های پست، انتظار خیر و صلاح نمی‌رود؛ زیرا که از پست، پستی خیزد و از تحقیر شده، بدی. همچنین امام هادی علیه السلام فرمود: «انسانی که نفسش خوار شود، از شر او ایمن مباش».^{۲۹} حتی خودبینی و خودخواهی و تکبر که سرآغاز تباهی‌های فردی، خانوادگی و

اجتماعی است، معلول حقارت نفس است. امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ کس به خوی (ناپسند) تکبر مبتلا نمی‌شود، مگر به سبب خواری و ذلتی که در درون خود احساس می‌کند».^{۳۰}

ب. مدارا با یکدیگر

مدارا با دیگر انسان‌ها نیز در پرتو توجه به تکریم آنان معنا پیدا می‌کند. امیر مؤمنان علی علیه السلام در وصف مدارای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «پیامبر همیشه (و با همه افراد) خوش‌رو و خوش‌خوی بود، و خشونت و درشت‌خویی در رفتارهای ایشان مشاهده نمی‌شد».^{۳۱}

امام علی علیه السلام که دست‌پرورده مکتب رسول خدا و پیرو سنت و سیره ایشان بود، مدارا را سرلوحه برنامه‌های عملی و سیره خانوادگی و اجتماعی خویش قرار داده بود و می‌فرمود: «کسی که در امور خویش، سیره مدارا و سبک‌رفق و ملایمت و نرمی را پیش‌گیرد، به آنچه از دیگران انتظار دارد خواهد رسید»؛^{۳۲} زیرا مدارا رفتاری اخلاقی، اجتماعی و اسلامی است که از گسترش مخالفت‌ها، دشمنی‌ها و کینه و حسادت جلوگیری می‌کند. با رفق و مدارا، شدت مخالف‌ها کاهش می‌یابد.^{۳۳} آن حضرت معتقد بود تحقق زندگی شیرین و خانواده‌ای کارآمد، در گرو مدارا با یکدیگر است^{۳۴} و نیز فرمود: «انسان عاقل و با تدبیر کسی است که از این موضوع بهره کامل بگیرد»^{۳۵} و با استفاده عاقلانه و مدبرانه از مدارا در روابط خود با همسر و فرزندان، زندگی درست، منظم و سالمی را پی‌ریزی کند.

سلام کردن و کارآمدی خانواده

در میان همه ملت‌ها و فرهنگ‌ها، مردم به هنگام ملاقات و دیدار با یکدیگر، برای ابراز احساسات و عواطف خود و خرسندی و رضایت از دیدار و نیز

خوشامدگویی و برای شروع گفت‌وگو با یکدیگر، راه و روش خاصی ابداع کرده‌اند و برای این منظور با واژه‌ها و حرکات - به صورت قراردادی - این مقصود را می‌رسانند. در سنت اسلامی، برای تأمین این منظور سلام کردن به یکدیگر، مصافحه (دست دادن) و معانقه (یکدیگر را در آغوش کشیدن) در نظر گرفته شده است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «سلام، تحیت و درود ملت ما است».^{۳۶} سلام کردن، از دستورات الهی قرآن کریم است. خداوند می‌فرماید: «هرگاه به خانه‌ها وارد شدید، به یکدیگر سلام کنید و این تحیت و درودی پاک و مبارک از جانب خداوند است».(نور: ۶۱)

در آموزه‌های دینی بر این امر مهم، و جایگاه آن در سلامت و امنیت روحی و روانی و کارآمدی خانواده و جامعه انسانی تأکید شده است که اولین گام ارتباط، با سلام شروع می‌شود. در اسلام، به مؤمنان سفارش و تأکید شده است که به یکدیگر سلام کنند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به زنان و کودکان نیز سلام می‌کردند. سلام با سلامتی هم خانواده است و مفهومش این است که هیچ خطر و تهدیدی از سوی سلام کننده، متوجه مخاطب او نیست. این شعار اسلامی که اعضای خانواده‌های مسلمان به منزله تحیت و تعارف - به هنگام روبه‌رو شدن و ملاقات - با هم دارند، در دیگر اقوام و ملت‌ها به گونه‌هایی دیگر است. سفارش اسلام به سلام، در ابتدای ارتباطات انسانی و به‌ویژه خانوادگی، منطبق و سازگار با فطرت انسان است.

زندگی در دنیای کنونی اغلب با دلهره و اضطراب توأم است. بنابراین، در اولین برخورد دو انسان، مطلوب‌ترین نوع برقراری ارتباط، دادن امنیت و آرامش به مخاطب خویش است تا مطمئن شود که از طرف مقابل ضرری متوجه او نیست. اهمیت سلام تا آنجاست که یکی از نام‌های مبارک خداوند سلام می‌باشد. یکی از نام‌های بهشت که خانه آرامش و آسایش انسان است، دارالسلام نامیده

شده است. بدیهی است که چنین ارتباط و آرامشی، زمینه‌های کارآمدی خانواده و رشد اعضای خود را فراهم می‌سازد.

در واقع، سلام که یک تحیت و تعارف رسمی اسلامی است، به معنای دعا و درخواست همین امنیت، سلامتی و آرزوی موفقیت و کمال مخاطب است. از این‌روی، در قرآن کریم، در برخی موارد واژه سلام با کلماتی که معنای امنیت دارند، همراه است که این تقارن لفظی، خود قرینه تقارن مفهومی سلام و امنیت است؛ «اوست خدایی که جز او خدایی نیست. او سلطان مقتدر جهان است؛ پاک از هر عیب و آلائش است؛ امنیت‌بخش و نگهبان جهانیان و قاهر و مقتدر و جبار است». (حشر: ۲۳) در آیه دیگری می‌خوانیم که در روز قیامت به مؤمنان گفته می‌شود: «با سلامتی و در حال امنیت وارد بهشت شوید». (حجر: ۶۶) احساس امنیت و آرامش است که انسان را به کار و تلاش وادار می‌کند. بدون آرامش و تلاش، هیچ‌گاه مسیر حرکت به سوی کمال هموار نمی‌شود. کارایی و کارآمدی در هر زمینه‌ای نیازمند آرامش و آسایش است و خانواده به عنوان کانون آرامش - با احساس امنیتی که در اعضای آن ایجاد می‌شود - می‌تواند به سوی کمال حرکت کند و کارآمدی خود را تضمین کند.

دلسوزی و مهربانی و کارآمدی خانواده

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمود: «آن که نسبت به دیگران ترحم و رحمت نداشته باشد، مورد رحمت خدا قرار نمی‌گیرد»؛^{۳۷} «و آن که اهل رحمت نباشد، انتظار رحمت نداشته باشد»^{۳۸} مناسبات خانوادگی و اجتماعی در فضای ارتباطی همراه با محبت و از سر رحمت اصلاح می‌شود. او رسول رحمت بود و مؤکداً می‌فرمود: «آن که نسبت به کوچک (کودکان) ما رحمت نداشته باشد و بزرگ ما را گرامی ندارد، از ما نیست».^{۳۹}

رفتار محبت‌آمیز، روح و روان انسان را از هرگونه گرد و غبار و پلیدی پاک و تطهیر و سلامت آن را تأمین می‌کند انسان در پرتو این طهارت و سلامت، با آسایش و آرامش، همت خویش را برای رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی به کار می‌بندد و در مقابله با آسیب‌های روانی و اخلاقی، چون دژ محکم و استوار می‌ایستد و اجازه ورود بیگانه را به زمینه جاننش نمی‌دهد. امام صادق علیه‌السلام به نقل از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «کسی که مؤمنان را با کلمات محبت‌آمیز خویش احترام نماید و اندوه او را بزدايد، تا زمانی که این حالت و احساس در او باقی است، پیوسته در سایه رحمت خدا خواهد بود».^{۴۰}

پیامبر و معصومان علیهم‌السلام به بزرگ‌سالان و کودکان مهربانی می‌کردند و بر محبت به کودکان تأکید فراوان داشتند. از این روی، آن حضرت می‌فرمود: «با فرزندان خود با کرامت برخورد کنید و با آداب نیکو با آنها معاشرت کنید».^{۴۱} تأکید حضرت بر احترام به فرزندان و رعایت برخوردهای احترام‌آمیز با آنان، برای این است که شرافت ذاتی آنها سرکوب نشود. رفتار مبتنی بر روش‌های پسندیده و گرمی داشتن کودکان، از آنها افرادی مستقل، آزاده، با شرافت و صاحب فضیلت می‌سازد. اگر کودک کرامت دید و به شخصیت حقیقی اش احترام گذاشته شد، با شخصیت و با فضیلت می‌شود و چنانچه مورد تحقیر و اهانت قرار گیرد، رشد فضایل در او متوقف شده، به انحراف و کجی می‌گراید و مانع رشد کارآمدی خانواده و اعضای آن می‌شود؛ چه بسا گاهی اوقات تأثیر انحراف یک عضو خانواده تمام اعضای آن را دچار بحران و مشکل می‌کند و از مسیر مستقیم به انحراف می‌کشاند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمود: «وقتی نام فرزندان را می‌برید، او را گرمی دارید و جای نشستن را برای او توسعه دهید (و احترامش کنید) و نسبت به او رو ترش نکنید».^{۴۲}

ایشان تمام کودکان را گرامی می‌داشت و وقتی کودک خردسالی را برای دعا یا نام‌گذاری می‌آوردند، حضرت برای احترام او را به آغوش می‌گرفت و در دامن خود می‌نهاد. گاهی اتفاق می‌افتاد که کودک در دامن پیامبر ادرار می‌کرد؛ کسانی که ناظر بودند، در مقابل این رفتار کودک فریاد می‌زدند - و تندی می‌کردند تا او را از ادرار باز دارند اما پیامبر آنان را منع می‌کرد و می‌فرمود با تندی و خشونت از ادرار کودک جلوگیری نکنید. زمانی که دعا یا نام‌گذاری تمام می‌شد، اولیای کودک با شادی کودک خود را می‌گرفتند، در حالی که کمترین آزرده‌گی خاطر به علت ادرار کردن کودکان در پیامبر احساس نمی‌کردند. وقتی اطرافیان کودک می‌رفتند، پیامبر لباس خود را تطهیر می‌کرد.^{۴۳} آن حضرت با این رفتار خود به دیگران آموختند که نجاست از دامن رسول خدا پاک می‌شود، اما برخورد تند با عمل طبیعی کودک، از دل او پاک نمی‌شود و بهداشت روان او را به خطر می‌اندازد.

پیامبر این گونه به کودکان احترام می‌گذاشت و به آنان مهربانی می‌کرد. در روایت دیگری جریان زیبایی از نماز پیامبر و مهربانی به کودکان نقل شده است؛ پیامبر در یکی از روزها که برای نماز جماعت آمده بود، امام حسن علیه‌السلام نیز که در آن زمان کودک خردسالی بودند با آن حضرت به مسجد آمده بود. پیامبر کودک را کنار خود نشاند و به نماز ایستاد در بین نماز یکی از سجده‌ها را خیلی طولانی کرد، راوی حدیث می‌گوید: من سر از سجده برداشتم، دیدم حسن از جای خود برخاسته و روی دوش پیامبر نشسته است. وقتی نماز تمام شد، نمازگزاران سؤال کردند ای رسول خدا! چنین سجده‌ای از شما ندیده بودیم، گمان کردیم وحی به شما رسیده است؛ آن حضرت در جواب فرمودند: «وحی نرسیده بود، فرزندم حسن در حال سجده بر دوشم سوار شد؛ نخواستم شتاب

کنم و کودک را بر زمین گذارم، آن قدر صبر کردم تا خود از شانهام پایین آمد». ^{۴۴} دربارهٔ مهربانی پیامبر به کودکان نیز نقل شده است که روزی ایشان نشسته بود، حسن و حسین علیهما السلام وارد شدند؛ حضرت چون آنها را دید، به احترامشان از جا برخاست و به انتظار ایستاد. کودکان در راه رفتن ضعیف بودند، لحظاتی چند طول کشید، ولی نرسیدند. رسول اکرم به طرف کودکان رفت و با استقبال از آنان آغوش باز کرد و هر دو را بر دوش خود سوار کرد و به راه افتاد و در همان حال می‌گفت: «فرزندان عزیز! مرکب شما چه مرکب خوبی است و شما چه سواران خوبی هستید». ^{۴۵} رفتار پیامبر همیشه، در همهٔ حال و با همهٔ کودکان از روی مهربانی بود. وقتی آن حضرت از سفر بر می‌گشت و در راه با کودکان مردم برخورد می‌کرد، به احترام آنها می‌ایستاد؛ سپس امر می‌فرمود کودکان را می‌آوردند و از زمین بلند می‌کردند و به آن حضرت می‌دادند. رسول خدا بعضی را در آغوش می‌گرفت و بعضی را بر پشت و دوش خود سوار می‌کرد و به اصحاب خود نیز می‌فرمود به کودکان مهربانی کنید و آنان را در آغوش بگیرید و بر دوش خود بنشانید. کودکان از این رفتار محبت‌آمیز بی‌اندازه خوشحال می‌شدند و این خاطرات شیرین را هرگز فراموش نمی‌کردند. ^{۴۶} آن‌گاه که عضوی از اعضای خانواده چنین مورد تکریم و احترام و اظهار مهربانی قرار گیرد، از بودن خود با این خانواده احساس رضایت دارد؛ به اعضای خانواده خود اطمینان و اعتماد پیدا می‌کند و با عمل به راهنمایی‌های تربیتی آنان و با استفاده از توان‌مندی‌هایی که دارد، بر کمالات و رشد همه‌جانبهٔ خود می‌افزاید. رشد همه‌جانبهٔ هر یک از اعضای خانواده، همان کارآمدی نظام خانواده است.

وقتی دربارهٔ مهربانی به کودک در منابع و آموزه‌های دینی تا این اندازه تأکید شده است و این قدر آثار مطلوب دارد، بی‌شک مهربانی و دلسوزی نسبت به بزرگ‌سالان و همسر که به مرحلهٔ رشد انتزاعی رسیده‌اند و رفتارهای دیگران را

تجزیه و تحلیل می‌کنند، آثار ارزش‌مندتری به دنبال خواهد داشت. آن‌گاه که همسران نسبت به یکدیگر احساس مهربانی کنند، تلاش آنان برای کارآمد ساختن نظام خانواده افزون خواهد شد. پس مهربانی و دلسوزی مخصوص کودکان نیست، بلکه بزرگترها نیز به آن نیازمندند؛ از دریافت آن لذت می‌برند؛ موجب شادکامی و امید به حال و آینده می‌شود و در نهایت، زمینه‌ساز رشد، بالندگی و کمال خواهد بود.

مثبت‌اندیشی و کارآمدی خانواده

مثبت‌اندیشی، تلفیقی از گرایش و نگرش خوش‌بینانه و مثبت در مورد خداوند، خود، افراد، رویدادها، اشیا و به‌طور کلی جهان طبیعت و ماورای طبیعت است که بر اساس آن، شخص انتظار نتایج خوب را با توجه توانایی‌های خود از جهان و رویدادهای آن دارد. بر اساس این تعریف، در افراد انسانی انتظار تعمیم‌یافته‌ای پدید می‌آید که به هنگام مواجه شدن با مشکلات در تمام حیطه‌های مهم زندگی، نتایج خوب (در مقابل بد) برایشان رخ خواهد داد.^{۴۷} خوش‌بینی نشان‌دهنده‌ی گرایشی در فرد است که بر اساس آن، بهترین نتایج را انتظار دارد و بر جنبه‌های امیدوارانه‌ی یک موقعیت متمرکز می‌شود.

در منابع دینی، بر خوش‌بینی به خداوند و امیدوار بودن به رحمت او تأکید زیادی شده است. در روایتی از امام معصوم علیهم‌السلام می‌خوانیم که «یأس و ناامیدی و بدبینی، زمانی وجود انسان را فرا می‌گیرد که نسبت به خداوند و عملکردهای او بدبین باشد».^{۴۸} در واقع، مؤمن از آن جهت به کارها، نتایج آن و آینده خوش‌بین و امیدوار است که ایمان و اعتماد به خداوند دارد و به او خوش‌بین است؛ زیرا خداوند در تدبیر همه چیز نقش دارد و فرد مسلمان نیز به خداوند خوش‌بین است و باور دارد که او کارها را به نفع بندگان خود مدیریت

می‌کند. بنابراین، می‌تواند خوش‌بین باشد که او موفق خواهد شد و به کمک خداوند از کارهای خود نتایج خوب خواهد گرفت و خداوند به او کمک می‌کند تا از گزندها و آفت‌ها در امان بماند و بر مشکلات غلبه کند. پس خوش‌بینی یک عضو خانوادهٔ مسلمان، بیهوده و بدون دلیل نیست، بلکه متکی به رحمت و فضل خداوند است.

داشتن دید مثبت نسبت به مسائل زندگی و تبیین‌های خوش‌بینانه از حوادث ناخوش‌آیند، بر توانایی رویارویی با مشکلات تأثیر می‌گذارد. در مقابل، تبیین‌های بدبینانه ممکن است افراد را دچار حالت‌های عاطفی منفی و در نتیجه بازداری ایمنی کند. در این حالت، احتمال بروز بیماری‌های جسمی نیز بیشتر می‌شود و بیماری به نوبهٔ خود بر روند کارآمدی زندگی آثار نامطلوبی برجای می‌گذارد. خوش‌بینی فرد را به تلاش برای طراحی نقشه‌هایی برای حل مشکل سوق می‌دهد. فرد با عمل به این نقشه‌ها، انتظار دارد امور غالباً مطابق نظر او پیش روند و همین امر کوشش او را مضاعف می‌کند.^{۴۹} بنابراین، می‌توان گفت دیدگاه مثبت نسبت به مشکلات و ناگواری‌هایی که در زندگی پیش می‌آید، بر حالات عاطفی و بهبود روابط اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد و سبب کارآمدی خانواده می‌گردد. اعضای خانوادهٔ کارآمد در پرتو خوش‌بینی به خداوند، به یکدیگر نیز خوش‌بین هستند و با رویکردی مثبت و سازنده به دیگر اعضا می‌نگرند و در برخورد با آنان تمایل دارند که به افکار، عملکردها و رفتارها از دریچهٔ خوش‌بینی و مثبت بنگرند.

در منابع دینی گمان نیک نسبت به دیگران و اعضای خانواده بسیار مورد توجه و ستایش قرار گرفته و بر فواید و آثار ارزش‌مند آن در کارآمدی ارتباطات و جامعهٔ انسانی و خانوادگی تأکید شده است. خوش‌بینی، عامل جلب نظر دیگران،^{۵۰} آرامش درون^{۵۱} و کاهش غم و اندوه^{۵۲} است.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «گمان نیکو به افراد، از بهترین خصایص و بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند متعال است».^{۵۳} همچنین آن حضرت می‌فرماید: «کسی که به مردم حسن ظن داشته باشد، مهر و محبت آنان را به دست خواهد آورد».^{۵۴}

یکی از ارکان زندگی مشترک و عوامل کارآمدی خانواده، مهر و محبت نسبت به یکدیگر است. آن‌گاه که اعضای خانواده و به‌ویژه زوجین با در پیش گرفتن شیوه‌ای مثبت و سازنده و با خوش‌بینی با یکدیگر ارتباط برقرار سازند، کانون خانواده آنان سالم و کارآمد خواهد بود. زن و شوهری که به دنبال زندگی شیرین و لذت‌بخش هستند، به همسر خود با دید مثبت و خوش‌بینانه می‌نگرند؛ جنبه‌های مثبت او را در نظر می‌گیرند و با چشم‌پوشی از عیوب و نواقص، پیوسته زندگی و رفتارها را زیبا می‌بینند و حتی گاهی برخی معایب را خوبی و نیکی می‌بینند.

برادفورد^{۵۵} (۱۹۸۳) در زمینه رضایت زوجین از زندگی، پژوهشی درباره ۳۵۱ زوج که طول زندگی آنان از پانزده سال بیشتر بود انجام داد و از دلایل ادامه زندگی مشترکشان پرسید. نتایج این پژوهش نشان داد که عوامل زیر در تداوم زندگی مشترک مؤثر بوده است:

(الف) نگرش مثبت نسبت به همسر؛

(ب) داشتن این عقیده که ازدواج یک امر مقدس و یک تعهد دائمی است؛

(ج) تشابه هدف‌ها و آرزوها؛

(د) رضایت از روابط جنسی؛

از اموری که با خوش‌بینی رابطه مستقیم دارد، بروز سوء تفاهم و سوء برداشت از رفتارها و گفتارهای یکدیگر است. سوء برداشت سبب تخریب روابط

مطلوب اعضای خانواده و بروز تشنج و ناراحتی می‌شود. یکی از عوامل اصلی بروز اختلاف‌های زناشویی سوء تفاهم است و بهترین راه مقابله با چنین سوء تفاهم‌ها و برداشت‌های غلطی، خوش‌بینی است.

برای پدید آوردن حالت خوش‌بینی، زن و شوهر باید در ابتدای زندگی بکوشند یکدیگر را به خوبی کشف کنند و بشناسند و با سیره رفتاری و گفتاری یکدیگر کاملاً آشنا شوند، تا زمینه بروز سوءظن از بین برود. در عین حال لازم است تمام موازین اخلاقی و اسلامی را در همه رفتارها و گفتارها رعایت کنند تا شناخت و رفتار با یکدیگر همراه شده و خوش‌بینی را پدید آورد. این خوش‌بینی اعتماد متقابل را در خانواده تقویت می‌کند؛ برداشت‌های منفی از رفتارهای یکدیگر کاهش می‌یابد؛ زمینه درک مناسب و روابط صمیمانه فراهم می‌شود و اعضای خانواده با احساس آرامش و ایمنی زندگی خواهند کرد. وقتی این امور در کنار هم جمع شوند، کارآمدی خانواده را تضمین می‌کنند.

صفت اخلاقی خوش‌بینی افزون بر اینکه سبب کارآمدی خانواده می‌شود، به طور مستقیم در کارآمدی و بروز خوش‌بینی در جامعه نیز اثر می‌گذارد؛ زیرا هر سبک تبیینی که در تبیین پدیده‌ها توسط والدین به کار برده شود، کودکان به دقت آن را یاد می‌گیرند و به خاطر می‌سپارند و در برخورد با افراد جامعه انسانی از آن استفاده می‌کنند. والدین خوش‌بین، فرزندان خوش‌بین به جامعه تحویل می‌دهند و خود نیز همین‌گونه در جامعه رفتار می‌کنند. بدین ترتیب رفتارهای جامعه انسانی بر اساس خوش‌بینی شکل می‌گیرد و یکی از عوامل کارآمدی جامعه می‌شود.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نتایج پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. در منابع دینی، آموزه‌ها و دستورات عمل‌های اخلاقی برای رشد و تعالی در جنبه‌های فردی و اجتماعی و مادی و معنوی زندگی خانوادگی بیان شده است.
۲. صبر، راستگویی، تکریم، احترام متقابل، مدارا با یکدیگر، دلسوزی و مهربانی و مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی، از مهم‌ترین آموزه‌ها و رفتارهای اخلاقی هستند که بر کارآمدی خانواده تأثیر مستقیم دارند.
۳. توجه نکردن به دستورات اخلاق اسلامی در شکل‌دهی رفتار و تعامل با دیگر اعضای خانواده، موجب نا کارآمدی آن می‌شود.
۴. بر اساس منابع دینی، عمل به دستورات عمل‌های اخلاق اسلامی بر استحکام نظام خانواده می‌افزاید و کارآمدی آن را تضمین می‌کند؛
۵. بر خورداری اعضای خانواده از فضایل اخلاقی و عمل به آنها نه تنها سبب نجات در قیامت است، بلکه زندگی دنیا نیز بدون آن سامان نمی‌یابد و کارآمدی خانواده به عنوان کانون تعلیم و تربیت بدون کسب و رعایت مسائل اخلاقی تأمین نخواهد شد.
۶. اخلاق، بهترین ضامن اجرایی قوانین و مقررات در کانون خانواده است و کارآمدی آن را تضمین می‌کند.
۷. خانواده بهترین محیط برای آموزش آموزه‌های اخلاق خانوادگی به فرزندان است.



پی‌نوشت‌ها

۱. مسائل اخلاقی به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف) مسائلی که محورشان رابطه انسان با خداست (اخلاقی الهی)؛ ب) مسائلی که محورشان رابطه انسان با خودش است (اخلاق فردی)؛ ج) مسائلی که محور آنها را روابط اجتماعی انسان با دیگران تشکیل می‌دهد (اخلاق اجتماعی). وقتی در محاورات عرفی گفته می‌شود کسی اخلاقش خوب است یا خوب نیست، منظور همین ملکاتی است که در روابط او با دیگران خودنمایی می‌کند. دو دسته اول، در واقع توسعه اخلاق عرفی است که با توجه به پیش اسلامی و اینکه موضوع اخلاق، مطلق فعل اختیاری انسان، اعم از اجتماعی و غیراجتماعی است، حاصل شده است؛ زیرا هر فعل اختیاری - چه اجتماعی و چه غیراجتماعی - می‌تواند دارای ارزش مثبت یا منفی باشد و در محدوده مسائل اخلاقی قرار گیرد (محمدتقی مصباح یزدی، *اخلاق در قرآن*، ص ۲۴۱-۲۴۴).
- ۲ ناصر مکارم شیرازی، *اخلاق در قرآن*، ج ۱، ص ۲۲.
- ۳ علی‌ابن حسام الدین الممتقی، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، ح ۵۲۱۷۵.
- ۴ محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۶۶، ص ۴۰۵.
- ۵ همان، ج ۱۰۰، ص ۲۲۶.
- ۶ میرزا حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۳، ص ۲۸۳.
- ۷ ناصر مکارم شیرازی، *اخلاق در قرآن*، ج ۱، ص ۴۶.

۸. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، *غررالحکم*، ح ۲۱۳.
۹. ناصر مکارم شیرازی، *اخلاق در قرآن*، ج ۲، ص ۴۴۶.
۱۰. محمد محمدی ری شهری، *میزان الحکمه*، ح ۱۰۰۶۴.
۱۱. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۶۸، ص ۹.
۱۲. محمدی ری شهری، *منتخب میزان الحکمه*، ص ۴۳۹.
۱۳. همان، ص ۱۰.
۱۴. محمدرضا سالاری فر، *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*، ص ۱۱۷.
۱۵. ویرجینا ستیر، *آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده*، ص ۷۸.
۱۶. محمدرضا سالاری فر، *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*، ص ۱۱۷.
۱۷. محمد محمدی ری شهری، *دوستی در قرآن*، ح ۳۸.
۱۸. همان، ح ۸۶.
۱۹. همان، ح ۸۶۴.
۲۰. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵.
۲۱. همان، ص ۲۲۳ و ۲۲۸.
۲۲. ابراهیم امینی، *همسرداری*، ص ۳۳.
۲۳. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۱، ص ۱۸۱.
۲۴. محمدبن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۲۰، ص ۲۳.
۲۵. در این دیدگاه، انسان خلیفه الهی «انی جاعل فی الارض خلیفه» (بقره: ۳۰)، حامل روح خدا «و نفخت فیهِ من روحی» (حجر: ۲۹) و حامل امانت الهی است «فحملها الانسان» (احزاب: ۷۲).
۲۶. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۱، ص ۴.
۲۷. همان، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳.
۲۸. همان، ج ۱۰۳، ص ۲۳۷.
۲۹. ابن شعبه حرانی، *تحف العقول*، ص ۳۶۲.
۳۰. محمدبن یعقوب کلینی، *کافی*، ج ۲، ص ۳۱۲.
۳۱. رضی‌الدین حسن بن فضل طبرسی، *مکارم الاخلاق*، ص ۱۴.
۳۲. محمد بن یعقوب کلینی، *کافی*، ج ۲، ص ۱۳۰.
۳۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، *غررالحکم*، ص ۳۴.
۳۴. محمد بن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۱، ص ۲۱۴.
۳۵. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، *غررالحکم*، ص ۳۲۸.
۳۶. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۶، ص ۴۶.
۳۷. اسماعیل بن کثیر دمشقی، *تفسیر ابن کثیر*، ج ۷، ص ۲۹۸.

۳۸. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۹۵.
۳۹. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۶۷.
۴۰. همان، ج ۱۱، ص ۵۹۱.
۴۱. حسام الدین المتقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۵۶.
۴۲. محمد سبزواری، جامع الاختیار، ص ۱۲۴.
۴۳. رضی الدین حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۵.
۴۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۹۴.
۴۵. همان، ص ۲۸۵ - ۲۸۶.
۴۶. محسن فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۳، ص ۳۶۶ - ۳۶۷.
۴۷. محمدرضا سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، ص ۱۱۸.
۴۸. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، ص ۴۸.
۴۹. دیماتتو، روان شناسی سلامت، ج ۲، ص ۵۸۲ - ۵۸۴.
۵۰. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۴۱۷.
۵۱. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۶۲۳.
۵۲. همان.
۵۳. عبدالواحد آمدی، غرر الحکم، ج ۴۸۳۴.
۵۴. همان، ج ۸۸۴۳.

55. Bradford.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- المتقی، علی ابن حسام الدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ ق.
- امینی، ابراهیم، *همسر داری*، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۱ م.
- دیماتو، امک رابین، *روان شناسی سلامت*، ترجمه سید مهدی موسوی و همکاران، تهران، سمت، ۱۳۷۸ ش.
- سالاری فر، محمدرضا، *خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی*، قم، پژوهشگده حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۵.
- سبزواری، محمد، *جامع الاخبار*، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
- ستیر، ویرجینا، *آدم سازی در روان شناسی خانواده*، ترجمه بهروز بیرشک، تهران، رشد، ۱۳۸۴.
- طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، شریف رضی، ۱۴۱۲.
- فیض کاشانی، محسن، *المهجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، بیروت، نشر اعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۳ م.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، بی تا.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳ م.
- محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمة*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۹.
- مصباح، محمد تقی، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
- مکارم شیرازی، ناصر، *اخلاق در قرآن*، قم، مدرسه الامام علی ابن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۷.
- نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
- حرانی، ابن شعبه، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ق.
- دمشق، اسماعیل بن کثیر، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالاندلس، بی تا، ج ۷.